عیدانه

نوروز در ارض اقدس رضوی

اگر تجربه حضور در لحظه تحویل سال در حرم مطهر را داشته باشید، از حال و هوایش خوب می‌دانید. اگر هم تاکنون این تجربه را نداشته‌اید و قرار هم نیست امسال در لحظه تحویل سال در مشهد و حرم مطهر باشید، از لحظات شاد و مقدس تحویل سال حرم برایتان می‌گوییم.

مردم در ساعات پایانی سال کهنه در صحن‌ها و رواق‌های حرم مطهر جمع می‌شوند تا سالشان را در بهترین مکانی که می‌شناسند و در محضر ولی نعمتشان تحویل کنند. برای رسیدن به این لحظه حتماً از قبل برنامه‌ریزی کرده‌اند. چون زائران زیادی از مسافران نوروزی تا مجاوران شهر مشهد دوست دارند شب عید را میهمان علی بن موسی‌الرضا(ع) باشند و در این شرایط طبیعی است اگر درست حساب و کتاب نکنی توی ترافیک خیابان‌های منتهی به حرم مطهر بمانی و لحظه تحویل سال در ارض اقدس را از دست بدهی. خادمان این مکان مقدس هم از چندین روز پیش آماده میزبانی در این لحظه هستند. توی جمعیت اگر مسافران تازه از راه رسیده هستند، توی جمعیت اگر بعضی از این میهمان‌های خوش‌ذوق ممکن است سبزه یا شاخه گلی را به نشانه هفت‌سین ببینی، بعضی‌ها خانوادگی خودشان را به حرم رسانده‌اند و عده‌ای هم مسافران تازه از راه رسیده هستند. توی جمعیت اگر چشم پرخرابی می‌توانی نماینده‌ای از هر گوشه کشور را ببینی. یکی ترکی دعا می‌خواند و دیگری نجوای زیرلبش نشان می‌دهد از اهالی لرستان است. لهجه عربی جنوب و گیلکی شمال هم به گوشت می‌خورد. انگار همه ایران را جمع کرده‌اند. توی صحن و سرای امام رضا(ع) و قرار است یک سال تحویل دسته‌جمعی در ارض اقدس داشته باشیم. دقایق منتهی به لحظه تحویل سال، در صحن‌ها بسته می‌شود تا کسانی که در صحن و سراها هستند بیا آرامش بیشتری به کار خود برسند. مردم پا دل‌های بی‌قرار و به امید فرج دعا می‌کنند و امامشان را از خدا می‌خواهند و بعد هم رضا رضا می‌گویند و انگار هم می‌خواهند صاحبخانه واسطه‌ای شده و همه دعاهای خوانده شده در صحن و سراها و رواق‌ها را آمین بگوید. بعد هم تک‌تک دعاهایشان را وصل می‌کنند به دعای تحویل سال که قرائت می‌شود. در همین لحظات از زقاره‌خانه نوای دل‌انگیز سلطان دنیا و عقبا علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) می‌آید و اشک و شادی در هم می‌آمیزد. مردم سالشان را با سلام و صلوات تحویل می‌کنند و منتظر می‌مانند تا پیام رهبر معظم انقلاب از بلندگوهای حرم پخش شود و بروند و سالی نو را شروع کنند. عده زیادی همین لحظات را با همین حال و هوا در خیابان‌های منتهی به حرم مطهر تجربه می‌کنند و همه این نواها را در راه می‌شنوند تا دل‌ها بازشوند و آن‌ها هم به حرمی پا بگذارند که پر از نور و روشنی است.

نیم‌نگاه

فرصت دعای دسته‌جمعی در ارض اقدس رضوی

میهمانان نوروزی امام رضا(ع) که در لحظه تحویل سال، خود را به ارض اقدس رضوی می‌رسانند، در بارگاه ملکوتی این امام فرصتی را برای همه دوستداران این حضرت فراهم می‌کنند. خوب است ما نیز این فرصت را غنیمت بشماریم و اگر نتوانستیم در لحظه تحویل سال در حرم باشیم در روزهای آینده در برنامه‌های جمعی حرم شرکت کنیم و دست به دعا شویم. براساس روایات، خواندن دعا در جمع و به صورت دسته‌جمعی در اجابت آن مؤثر است.

همچنین پیامبر(ص) در این باره فرموده‌اند: «وقتی یکی از شما دعا می‌کند و دعای او همگانی باشد (همراه با دیگران دسته‌جمعی دعا کنند) دعای همگانی زودتر به اجابت می‌رسد». (ثواب الاعمال، ص ۲۶۰) در لحظه تحویل سال در مکانی مقدس و در کنار سیل مشتاقان امام رئوف(ع) حتماً در جمع، هر یک از افراد به اندازه خصلت‌های خوبی که دارد نظر خداوند را جلب می‌کند و دعا به اجابت نزدیک‌تر می‌شود. امام صادق(ع) می‌فرماید: «هرگاه امری پدرم امام باقر(ع) را محزون می‌کرد، زنان و کودکان را جمع کرده، دعا می‌کرد و آن‌ها آمین می‌گفتند». (اصول کافی، ۴)

دعا کنید و خیر بخواهید. همچنین فرصت متقارن شدن سال نو با روزهای پایانی ماه شعبان را غنیمت بشمارید. امام رضا(ع) در روایتی در خصوص بهره گرفتن از روزهای پایانی این ماه به اباصلت توصیه کرده‌اند روزهای پایانی این ماه را به دعا و استغفار بگذراند و خود را برای ورود به ماه رمضان آماده کند.

در بخشی از این روایت آمده: محدث قمی از اباصلت هروی نقل می‌کند: در آخرین جمعه از ماه شعبان که چند روزی به آخر ماه مانده بود بر امام مرشد(ع) وارد شدم. به من فرمود: ای اباصلت! بیشتر ماه شعبان گذشت و آخرین جمعه این ماه است. کوتاهی‌هایی را که در گذشته این ماه کردی، تدارک کن در آنچه از این ماه باقی مانده است. سپس امام(ع) به او توصیه می‌کنند: «بر تو باد به اینکه رو آوری به کارهایی که برای تو سود و فایده دارد. زیاد دعا بخوان و استغفار کن و قرآن تلاوت کن».

میراث

حرم مطهر رضوی با هزاران شاخه گل به استقبال نوروز می‌رود

بهار گل‌ها در بهشت امام رضا(ع)

نوروزعلی بسطامی در کتاب «فردوس‌التواریخ» درباره صحن جدید حرم مطهر رضوی نوشته است: «... اولاً باغی بود و قدری از مزارات و...» این یعنی حرم مطهر از همان سال‌های دور که باغ و بستان‌های طبیعی، شهر و دیه‌ها را رونق می‌دادند، با درخت و گل زیباتر می‌شده است. اصلاً همین باغ پایین پای حضرت جایی بوده که مردم برای رسیدن به روضه منوره از آن عبور می‌کردند و خودشان را به امام رضا(ع) می‌رساندند. حرم امام هشتم(ع) به عنوان جایی برای یافتن قرار و آرامش، در همیشه تاریخ پر از همه نمادهای خوبی و زیبایی و شکوه بوده است. تذهیب‌ها و اسلیمی‌ها و مقرنس‌ها بر جان زائران و مجاوران می‌نشیند، آینه‌کاری‌ها دل‌ها را روشن می‌کنند و گل‌ها که آرامش‌بخش و روح‌افزایند.

حال سال‌هاست در مناسبت‌های مختلف به‌خصوص اعیاد مذهبی و نوروز، حرم مطهر گل آرایی می‌شود تا صحن و سرای حضرت علاوه بر نور و جلای باطنی‌اش، ظاهری زیبا و باطراوت هم داشته باشد و چشم‌های دنیایی ما هم روشن به این زیبایی بیندازد.

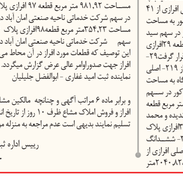

همیشه بهار، شب‌بو و جعفری گل آرایی شدند و درختچه‌های یاس هلندی و گل آرالیا برای گل آرایی نیم طبقه‌های صحن‌های آزادی و انقلاب اسلامی و دو تا دور صحن پیامبر اعظم(ص). امسال نیز هزاران شاخه گل قرار است به استقبال از زائران امام رضا(ع) آغوش بگشایند.

گلنار حکمت | دانشجو

بودم و سر بر سودایی داشتم، از آن جوان‌های خوش‌خیال که به قول حاج خانم هر جا آش است کل قراش است.

بچه انقلابی‌هایی بودیم که کار هیئتی می‌کردیم و نشریه می‌دیدم و از بد یا خوب روزگار دستمان به قلم می‌رفت و برای روزنامه‌های شهر می‌نوشتیم. رفیقی داشتیم که بین خودمان بچه بالا صدایش می‌کردیم؛ در عوالم بالایی بود. یک روز خبر دار دوست دارید تو نوروز رهبری در حرم امام رضا(ع) خبرنگار دیدار باشید. یک جوری باید به غبغبمان افتاد که خودمان را بالای بالا دیدیم. اول سال بود و قرار دیدار روز اول فروردین بود. چادر چاقچور کردیم به سمت حرم. چهه مشهد که باشی می‌دانی برای رسیدن به حرم نوروزی رهبری یا مردم، باید حداقل سه چهار ساعت زودتر راه بیفتی و کم‌کمش روی پیاده‌روی میدان شهدا تا حرم حساب کنی. شماره اتاقی که قرار بود جلسه خبرنگاران دیدار با مسئول دفتر باشد را دنبال کردیم و به اتاق بزرگی در صحن جمهوری رسیدیم که هیچ‌وقت موقع زیارت فکرش را نمی‌کردیم چنین جایی اطرافمان باشد. به رفیقم گفتم حتماً بهمان واکمن می‌دهند، از کجا آورده‌ید؟ با لهجه بلوچی می‌گوید: مال سفر حضرت آقا به ایرانشهر است، ما توی ایرانشهر همه‌مان این عکس را داریم. یادم می‌آید جایی شنیدم رهبری مدتی به ایرانشهر تبعید شده بودند و با ایرانشهری‌ها زندگی می‌کردند.

-از راه رفتن و صاف ایستادنش نمی‌شد سنش را حدس زد ولی راحت ۸۰ سال را رد کرده، صاف و اتوکشیده راه می‌رود. ریشش را سه تیغ زده و موهای سفیدش توی هوا باد می‌خورد. به یکی از خادم‌ها با لهجه غلیظ اهالی تهران می‌گوید: اومدیم رهبرمون رو پرسید خودکار دارید؟ به رفیقم گفتم خب حالا حتماً قسمت جایگاه می‌رویم، آنجا که گفته‌اند ما را می‌بینیم. حاج آقا برگشت تا ادامه حرفش را بزند؛ گفت: زودتر بروید توی جمعیت که جا برای نشستن پیدا کنید. تازه فهمیدیم خبری از جایگاه نیست. این مسیر رسیدن به بالا را توی ذهنمان فوت کردیم و رفتیم به طرف رواق امام خمینی(ره)، جایی که رهبری برای دیدار با مردم می‌آیند.

-گپ‌های طولانی رسیدن به محل مورد نظر را رد کردیم. یکی‌یکی از نرده‌ها می‌گذشتیم. دختر جوانی با لهجه یزدی گفت: آقا کی می‌رسن؟ گفتم دیدار ساعت ۴ است. گفت پس به بلیتم برسم. دانشجوی دانشگاه فردوسی‌ام، سال تحویل به زور توی خوابگاه ماندم که به دیدار برسم، چشمم روشن بشه و چشم‌هایش پر از اشک شدند.

- پیرمرد اصفهانی عکس رهبر را به سینه‌اش چسبانده و دنبال صحن محل دیدار می‌گردد. می‌پرسد: «آقامون کوجا میان؟» می‌گویم: «آقاتون؟!» به جواب می‌دهد: «درسته آقا همشهری شوماست، ولی تودل همه ماست».

-پیراهن بلند سفیدی تنش است، یک دستار سفید هم دور سرش بسته و عکسی از رهبری با همین شمایل توی دستش است. می‌پرسم: این عکس را از کجا آوردید؟ با لهجه بلوچی می‌گوید: مال سفر حضرت آقا به ایرانشهر است، ما توی ایرانشهر همه‌مان این عکس را داریم. یادم می‌آید جایی شنیدم رهبری مدتی به ایرانشهر تبعید شده بودند و با ایرانشهری‌ها زندگی می‌کردند.

-از راه رفتن و صاف ایستادنش نمی‌شد سنش را حدس زد ولی راحت ۸۰ سال را رد کرده، صاف و اتوکشیده راه می‌رود. ریشش را سه تیغ زده و موهای سفیدش توی هوا باد می‌خورد. به یکی از خادم‌ها با لهجه غلیظ اهالی تهران می‌گوید: اومدیم رهبرمون رو

حاشیه‌هایی از دیدارهای نوروزی رهبر معظم انقلاب در حرم مطهر امام رضا(ع)

منتظران بهار، بوی شکفتن رسید

ببینیم. آلبرت بریم یا آلونور؟ خادم هم سرخوش روز اول سال است ودلش گرم به دیدار، می‌گوید: آلونور حاجی، پیرمرد متلک‌ش را می‌گیرد: دزم‌مُزم حاجی.

-زوج جوانی با هم هماهنگ می‌کنند که بعد از مراسم از کجا خارج شوند تا همدیگر را گم نکنند. هنوز ضبط‌هایشان جمع است. انگار نه‌غروس و داماند. مرد جوان می‌گوید: خیلی نمانید شلوغ شود گفتن می‌کنم، آقا را دیدید بیایید برویم، مامان و بابا منتظرند. همسرش می‌گوید: چشم! از آن چشم‌ها که معلوم است می‌خواهد تا آخر مراسم دیدار بمانند.

-چادر قهوه‌ای گل ریزش را جمع می‌کند جلو و می‌گوید: «دختر دیدار از همین ورَه؟» می‌گویم: «بله حاج خانوم». می‌خندد: «حاج خانوم نیستم، منکه نرفتم. مگه چند سالمه؟» می‌گویم: «۴۵ سال». آن سال‌ها ۴۵ سال برایم خیلی پیر به نظر می‌رسید. خندید و گفت: «دانشجو بودم که انقلاب شد، وقتی امام می‌خواست با دانشجوها دیدار کند، یهو خبردار شد، اتوبوس دادند راه می‌افتاد ولی هنوز به خانواده‌ام خبر نداده بودم، به دوستم سپردم بره به مامانم بگه دخترت با بقیه دانشجوها رفت دیدار امام. اومدم سوار اتوبوس شهید، دیدم همه چادری هستن، من چادر نداشتم. بابام خیاط بود، واسه زمستون برام یه پالتو قهوه‌ای پشمی دوخته بود. به دختره دیدم چادر کیفی سرش بود. گفتم چادرتو بهم می‌دی یه روز تهران دیدن امام. گفت خب پالتوتو رو بهم بده، بیا چادر مال خودت. من اجازه ندارم بیام. با چادر کیفی رفتم تهران. هنوز یادمه تو جماران چشمم به پرده سبز بود که آقا اومد. حالا هم اومدم دیدن رهبرمون. چشمم به گنبد طلا می‌مونه تا آقا بیاد».

-تند و تند راه می‌رود. پسرک رو می‌کند به پدرش: «اسم سال چی شد؟» و شعار سال را تند تند تکرار می‌کند و منتظر تأیید پدرش می‌ماند. پدرش می‌گوید: بله. پسرک می‌گوید: «خب خیالم راحت شد». انگار برای حضور در مراسم باید نام سال را بلد باشد.

-تواشیح زیبایی از بلندگوهای حرم پخش می‌شود، زن اشک‌هایش را با گوشه چادرش پاک می‌کند. اصرار دارد همه ادعیه و اشعاری که از بلندگوی صحن پخش می‌شود را همخوانی کند. با بغض همراه تواشیح قربون کبوتری حرمت امام رضا، قربون آن همه جود و کرمت امام رضا، با امام رضا با امام رضا با امام رضا مولا... نگاهم به نوزادی است که توی بغلش گرفته و سربند یامهدی(عج) به سرش بسته. صدای مردم بلند می‌شود. همهمه است، معلوم نیست کی چه می‌گوید. از صدای زن می‌فهمم: «ای رهبر آزاده، آمادیم آماده».

-دختر با مادرش پچ پچی می‌کند و به من می‌گوید: خانم خودکارتان را می‌دهید؟ خودکاری که حاج آقا داده را می‌دهم به دختر. نگاهش به دفترچه است. کاغذ هم می‌خواهد. یکی از برگه‌های دفترچه جلد سبزم را هم به دختر می‌دهم. می‌گوید: «بنویس بابات زمین گیر شده». دختر لبش را گاز می‌گیرد. زن می‌گوید: «خب رهبر است، غریبه که نیست باید بنویسی».

-یک گروه دختر سرخوش دور هم نشسته‌اند و برای هم شعار می‌نویسند. ۱۰-۹ نفری می‌شوند. بلند بلند حرف می‌زنند و مثل هم جمع‌های دخترانه این سن و سالی، می‌خندند. یکی‌شان می‌گوید: «ببایید همه با هم بگیم: آقا بیا! آقا بیا! این جوری حضرت آقا زودتر میان». دختر سبزه‌رو و بانمک کنارش که به‌جای روسری، چفیه سبزه‌رو به گردن بسته می‌گوید: «بیایین دل این جوون روشنکنیم» و باز همگی الکی می‌خندند و بلند بلند شعار می‌دهند: آقا بیا! آقا بیا! زن‌های اطرافشان هیجان‌زده می‌شوند و همراهی‌شان می‌کنند. هر از چند گاهی صدای خدمه‌های بالا می‌رود و باز با شعاری جدید زن‌های اطرافشان را به وجد می‌آورند.

-یک عکس سیاه و سفید روی کاغذ آچهار روی پایش است، زیر عکس نوشته: شهید محمد... فامیلی‌اش را نمی‌بینم. نگاهم می‌کند: «چی می‌نویسی برای آقا؟ نامه می‌نویسی؟» می‌گویم: «نه، ما درباره مردم و حال و هوایشان در این دیدار می‌نویسیم». «پس خبرنگاری، ماشاءالله. خبرنگار رهبری؟» آقا را از نزدیک دیدی؟ خوش به حالت». تند و تند سؤال‌هایش را می‌پرسد و انگار منتظر جوابی نیست. می‌آیم توضیح بدهم که می‌گوید: «یک کاغذ هیدی منم نامه بنویسم. می‌خوام بنویسم دلم می‌خواد رهبر را زودتر ببینم. میشه به نظرت؟» کاغذی به زن می‌دهم و می‌گذارم خودش یک جواب خوب بدهد به خودش.

-قرآن و تواشیح تمام شده، هر لحظه از یک گوشه صدای «ماهسه سرباز تو پیم خامنه‌ای» می‌آید، عده‌ای بلند می‌شوند و بعد از چند دقیقه همه می‌نشینند، دل‌ها بی‌تاب است. مردم منتظر رهبرشان هستند.

-یک دفعه دختر‌های گروه سرخوش بلند می‌شوند و بین بار به پا جای آن همه شعر و شعاری که تمرین کرده بودند دارند با صدا‌های زیرشان رسماً جُیغ می‌زنند، چند تایی‌شان گریه می‌کنند. این بار زن‌های اطرافشان شعار می‌دهند: «ای رهبر آزاده، آمادیم آماده» دختر‌ها تازه به خودشان می‌آیند.

سردست ثبت اسناد و املاک شاهرستان سامان

در حرم

نگاهی به آیین نقاره‌نوازی در لحظه تحویل سال

نقاره‌ها نغمه شادمانی سر می‌دهند

صدیقه سادات بهشتی | صدای نقاره حرم مطهر ثامن‌الحجج(ع) برای همه شیعیان یادآور حضور در حرم مطهر رضوی است، به‌تدریج در شهرهای بزرگ رایج شد و در قرار است روزهای بی‌قراری، گوش دلمان را بنوازد.

نزدیک شدن ایام ماه مبارک رمضان و نوروز سبب می‌شود این نوا، رنگ و بوی بهجت‌آفرینی به خود بگیرد و شور و سرور را به دلمان روانه کند. به‌طور کلی در اعیاد مذهبی شب و صبح عید و ایام ولادت ائمه(ع) و لحظه تحویل سال نقاره شادمانی چندین نوبت نواخته می‌شود.

این آیین در سحرهای ماه رمضان نیز حدود یک ساعت پیش از اذان صبح اجرا می‌شود.

به جز ایام سوگواری و شهادت ائمه معصومین(ع) و دو ماه محرم و صفر، در شبانه‌روز دو نوبت دقایقی پیش از طلوع و غروب آفتاب به وسیله نوبت‌چیان رسمی، طبل و نقاره را آهنگی خاص به صدا درمی‌آید و با نواختن آخرین ضربات، طلوع و غروب خورشید را اعلام می‌کنند.

در عهد صفویه، استفاده از نقاره در پایتخت به‌تدریج در شهرهای دیگر نیز رواج یافت و در جشن‌های پیروزی، تاج‌گذاری، ولادت شاهان و شاهزادگان، مراسم نقاره‌زنی اجرا می‌شد.

به روایتی تاریخی در سال ۸۶۰ هجری قمری بابر» فرزند «بایسنقر شاهرخ» از هرات بهجت‌آفرینی به خود بگیرد و شور و سرور را به دلمان روانه کند. به‌طور کلی در اعیاد مذهبی شب و صبح عید و ایام ولادت ائمه(ع) و لحظه تحویل سال نقاره شادمانی چندین نوبت نواخته می‌شود. در سحرهای ماه رمضان نیز حدود یک ساعت پیش از اذان صبح اجرا می‌شود.

در سردر شرقی صحن انقلاب، نقاره‌خانه حضرتی از زمان «شاه عباس صفوی» موجود بوده و بعدها این بنای فعلی ساخته و کاشی‌کاری شده است.

ارتباط با خوبشان اعمال را پاکیزه می‌کند، داراییها را افزایش می‌دهد و بلاها را دور می‌کند و مرگ آدمی را به تأخیر می‌اندازد.

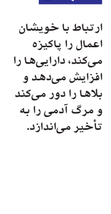

آگهی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظریه به اینکه هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر که به موجب رأی شماره ۱۴۰۱۱۶۰۳۲۶۰۰۰۰۸۵ به تاریخ ۱۴۰۱/۰۶/۱۷ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای محمد ترکمنه فرزند جهانشیر متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۱۱۶۰۳۲۶۰۰۰۰۱۶۴ به شماره ثبت ۱۳۹۹۱۱۰۱۴۴۲۶۰۰۰۰۱۰۳ در شش دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۴۲۱/۸۰ مترمربع قسمتی از یکپارچه پلاک شماره ۳۹۴۴ اصلی واقع در بخش یک نوشهر- بلوار شهید رجائی خریداری مع‌الواسطه از تعاونی اداره کل راه و شهرسازی استان مازندران و احیه به آقای مرتضی محمدی استنادنامه ۵ اقامه و مدت ۱۰ احیه ثانیه قانون مذکور درتوشته ثبت به قاضلا ۱۵ روز از این روز نامه آگهی می‌گردد.درصورتی که شخص یاشخاص دیگری به رأی صادره اعتراض داشته باشند‌تا‌تاریخ انتشار آگهی نوبتی اعتراض خود را‌به اداره ثبت تسلیم کنند.در صورت تسلیم وسیدم‌ور حل حق حل حول نکرده به دادگاه صلاحیه دارای صلاحیت نمایند.صدامعترض یابدتاریخ مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض به مرجع قضایی دادخواست تقدیم وسیدان وارد نکنند.در غیر اینصورت اعتراض غیرانصورت متقاضی می توانداقدامی عدم دادخواست ازدادگاه دریافت ودر یافت وبه اداره ثبت تسلیم نمایدکه اداره ثبت نیزبدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی رابرامفررات ادامه خواهدداد.ضمناصدورسندمالکیت مانع مراجعه متضرربه دادگاه نمی باشد.

م الف ۴۲۴ ۱۰۱۱۶۴۱

تاریخ انتشاراول نوبت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۳ تاریخ انتشاردوم نوبت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۸

محمد علی جلیلوند-مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت شعب نوشهر کیاسر

آگهی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ و اصلاحیه های قانون مذکور مصوب ۱۳۹۲/۹/۲۰ و ۱۳۹۴/۹/۲۰ و تصرفات مالکانه مفروز متقاضیان ۱- مرتضی بیهقی فرزند خلیل به شماره شناسنامه ۹۲۰ صادره از مشهد در یک قطعه زمین مفروزی به مساحت ۲۱۶۰ متر مربع در قسمتی از پلاک ۵ اصلی بخش ۲ زرجان اخوی از محل مالکیت محمد طاهره اعتمادملی محرز گردیده است. ۲- حسین حاجی آبادی فرزند علی اکبر به شماره شناسنامه ۵۷۴۰۷۷۹۹ صادره از نیشابور در یک باب گالخانه و زمین متصل به آن به مساحت شش هزار مترمربع در قسمتی از پلاک ۱۵۰ اصلی واقع در اراضی حاجی آباد خریداری از محمد حاجی آبادی فرزند علی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در نوبت اول به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت معارض اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ده روز اعتراض خود را به اداره ثبت تسلیم نمایند بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند مفاد این آگهی اعتراض ثبتی محرز اند به شماره شناسنامه ۱ صادره از در یک قطعه زمین مفروزی به مساحت ۲۷۲۷۴۸۷۲ متر مربع از یک اصلی واقع در اراضی سنگان بخش سه نوبت حدود به شرح ذیل: شمالا در ۹۲۹۲۱۳۷۳